

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل)*

اقباله عزیزخانی^۱

جعفر ابراهیمی^۲

جعفر آبتین^۳

چکیده

خرافه یک اعتقاد غیر معقول یا غیرعلمی که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و توسط اعضاء اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است. خرافات نه تنها سد راه فرایند توسعه است بلکه آثار منفی متعددی نیز دارد. هدف اصلی این پژوهش «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل» است. در این بررسی پیمایشی از بین ۱۰۵۹۲ نفر از دانشجویان این دانشگاه بر اساس فرمول کوکران به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با جنسیت و مقطع، ۳۷۱ دانشجو به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در پرسشنامه محقق ساخته این پژوهش، متغیر گرایش به خرافات از میزان پایایی ($\alpha > 0.80$) بالایی برخوردار است. این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل و نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین گرایش به خرافات در بین زنان به طور معنادار از مردان بیشتر است. بین نوگرایی و گرایش به خرافات رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. میانگین گرایش به خرافات در بین شاغلین به طور معنادار بیشتر از افراد غیر شاغل است. با افزایش سن میزان گرایش به خرافات کاسته می‌شود. میانگین گرایش به خرافات به تفکیک مقطع تحصیلی، متفاوت است. تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که سه متغیر جنسیت، نوگرایی و سن حدود ۱۶ درصد از میزان گرایش به خرافات را تبیین می‌کند.

کلید واژه: خرافات، نوگرایی، کنش عقلانی، دانشجویان.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران Azizkhani_aukh@yahoo.com

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران Ebrahimi_aukh@yahoo.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران Abtin_ardabil@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

خرافه در عرف لغوی، سخن بیهوده و پریشان ولی خوشایند یا عادت و عقیدتی بیرون از مبنای حق و ناسازگار با آموزه‌ها و موازین شرع و حتی عرف (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: ۱، ۱۴۰۵). عقیده‌ای باقی مانده از گذشته، فاقد جهات عینی و یا توجیهی (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۸۶۶) را گویند.

«کوهلر» معتقد است: خرافه یک اعتقاد غیرمعقول یا غیرعلمی در مورد ایفای نقش پدیده‌ها در جهان است که این اعتقاد یا براساس تقلید شکل گرفته و یا با تمایلات (معمولاً) مریض‌گونه همراه است. بنابراین خرافه همواره ملازم طلسم، معجزه و جادو است و «پاره‌تو» اعتقاد دارد خرافات به قوای مرموز سحرآمیزی اشاره دارد که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و توسط اعضاء اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است (فروغی، ۱۳۸۸: ۱۴).

جاهودا خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافی نامیده می‌شود» (جاهودا، ۱۳۷۱: ۵).

در دوران باستان دانش انسان در مراحل اولیه خود بود و انسان قادر به تشخیص علل حوادث و پدیده‌های طبیعی و غیرطبیعی نبود و از سوی دیگر به علت نداشتن ابزار و تکنولوژی و نبود علم لازم برای مبارزه با حوادث طبیعی، زندگی‌اش با مصیبت و سختی‌های بزرگی همراه بود. این دو مسأله یعنی جهل و نادانی و سختی‌های آزار دهنده، بستر لازم را برای به وجود آوردن اندیشه‌های نادرست و خرافات در انسان‌های اولیه فراهم آورد.

مقوله فرهنگ به دو بخش فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی تقسیم می‌شود. بخش مادی به فناوری، ابداعات و اختراعات اطلاق می‌شود و پندارها، رفتار و عقاید انسان‌ها (که خرافات و افسانه بخشی از آن هستند) بخش غیرمادی فرهنگ را می‌سازند. در طول تاریخ همیشه این خرافات و افسانه‌ها بر رفتار انسان‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. پس مطالعه آنها به عنوان عناصری از فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۷۸).

عقلانیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها در سده هیجدهم آنچنان گسترش یافت که این سده، به سده خرد معروف گردید و به دنبال آن سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی به سده خردگرایی تبدیل گردید و در این زمان کشف روابط علی و معلولی پدیده‌ها در دستور کار قرار گرفت. عقل و اندیشه ابزارهایی کارآمدی هستند که موقعیت انسان را در عالم هستی مشخص می‌کنند و اگر انسان نتواند به نحو شایسته از آن

استفاده کند برای مقابله با ناتوانی خود متوسل به پدیده‌های خرافی خواهد شد که تمامی ساخته دست خود او هستند (حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۲). لذا گسترش دانش بشری در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی به کاهش خرافات و توسعه فردی و اجتماعی می‌انجامد.

خرافات در زمره مهمترین عواملی است که به عنوان سد در راه رشد و ترقی جوامع وجود دارد. بنابراین باید با شناخت خرافه‌های موجود و ریشه‌ها و علل وجودی آنها در میان دانشجویان که قشر فرهیخته و خردمند جامعه هستند، تصمیمات لازم را برای مبارزه با آنها اتخاذ نمود. بنابراین تحقیق حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات را بررسی می‌کند و با تحدید موضوع سؤال تحقیق را به این شکل مطرح می‌کند میزان گرایش به خرافات در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی چقدر است و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن کدامند؟

۲- پیشینه تحقیق

«سپهر و همکاران» (۱۳۷۶) در تحقیقی با عنوان «بررسی مصادیق بارز، عوامل و علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری» به بررسی میزان شیوع خرافات پرداخته است و نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که زنان به شکل بارز و معنی‌داری بیش از مردان و بی‌سوادان بیشتر از باسوادان به این قبیل امور معتقدند. از نظر رابطه شیوع خرافات و شغل بیشترین میزان مربوط به مشاغل روستایی و خانه‌داری و کمترین مربوط به مشاغل فکری و کارمندان است. همچنین با بالا رفتن سن، میزان شیوع خرافات بیشتر می‌شود که این نشان از افزایش خرافات در گذر زمان است. با بهبود سطح درآمد وضعیت اقتصادی و کاسته‌شدن از مشکلات معیشتی از میزان پابندی افراد به خرافات کاسته می‌شود. گذر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای و زندگی سنتی به زندگی صنعتی، از میزان شیوع خرافات و موهومات سنتی می‌کاهد هرچند هیچ‌گاه به پایان نمی‌رسد.

«فضایی» (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی اوهام و خرافات» به بررسی جامعه‌شناختی خرافات پرداخته و بیان می‌کند که این خرافات جنبه بدآموزی داشته و باعث عقب نگه‌داشتن اذهان افراد کم‌سواد و بی‌تجربه می‌شود.

تحقیق دیگری توسط «قاسمی و همکاران» (۱۳۸۶) با عنوان «تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به خرافات» با حجم نمونه ۸۶۹ نفر از مردم شهرهای اصفهان، اهواز و ایلام صورت گرفته از نتایج مهم این تحقیق می‌توان به بالا بود میانگین گرایش به خرافات زنان نسبت به مردان اشاره کرد و همچنین رابطه معکوس و معنی‌داری بین متغیرهای تحصیلات، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نوگرایی و پایگاه

اقتصادی و اجتماعی با میزان گرایش به خرافات وجود دارد. میانگین گرایش به خرافات در شهر اصفهان کمتر از شهر ایلام و در شهر ایلام کمتر از شهر اهواز می‌باشد.

«فروغی و همکاران» (۱۳۸۸) تحقیق با عنوان بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی انجام داده‌اند که یافته تحقیق نشان می‌دهد افرادی که تحصیلات بالاتری، اقامت بیشتر در تهران، متولد شهر بزرگ و مشاغل امروزی‌تر دارند تمایل کمتری به خرافات دارند. همچنین مردان کمتر از زنان شهر تهران به عقاید خرافی گرایش دارند.

«صفایی و همکاران» (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات در شهر همدان به این نتیجه رسیده‌اند که زنان بیشتر از مردان خرافی‌اند و فارس‌زبانان گرایش کمتری به خرافات و لر‌زبانان گرایش بیشتری به خرافات داشته‌اند. ضمناً با افزایش تحصیلات، درآمد، آگاهی و کنش عقلانی گرایش به خرافات کم می‌شود.

تحقیق دیگری توسط «جانعلیزاده و همکاران» (۱۳۸۸) با عنوان کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان دانشگاه‌های مازندران و صنعتی بابل انجام شده و نتیجه گرفته‌اند در بین سه متغیر میزان دین‌داری، جنسیت و میزان تحصیلات، مهم‌ترین متغیر اثربخش بر میزان خرافه‌گرایی متغیر میزان دین‌داری است.

در جهت بررسی رابطه میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد تحقیقی توسط «افشانی و همکاران» (۱۳۸۶) صورت گرفته است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر بدین صورت بوده است: هرچه میزان نوگرایی افزایش می‌یابد، میزان گرایش به خرافات کاهش پیدا می‌کند.

«زب^۱ و باربارا^۲» (۲۰۰۱) تحقیقی با موضوع تأثیر خرافات بر اختلالات روانی در کشور کلمبیا انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که زنان بیشتر از مردان به خرافات گرایش دارند و پیشنهاد کردند که در تحقیقات بعدی نیز جنسیت به عنوان یک متغیر در نظر گرفته شود.

«پلتزر^۳» (۲۰۰۲) نیز در مورد افکار جادویی و عقاید ماوراءالطبیعی در آفریقای جنوبی تحقیقی انجام داده است و نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که دانش‌آموزان بیشتر از دانشجویان و زنان بیشتر از مردان خرافاتی‌اند و همچنین بین عقاید مذهبی سنتی و داشتن افکار جادویی رابطه ضعیف، ولی معناداری وجود دارد.

1- Zebb

2- Barbara

3- Peltzer

«بوخاری^۱ و همکاران» (۲۰۰۲) در بین گروه‌های قومی مختلف در کراچی هند، خرافات مربوط به مسائل بهداشتی را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ۷۳ درصد مردم در مسائل بهداشتی به خرافات عقیده دارند و تحصیلات با خرافات رابطه معکوسی دارد و در نهایت خرافات بر نگرش مردم به مسائل بهداشتی تأثیر بسیار زیادی دارد.

«گریفتس^۲ و همکاران» (۲۰۰۲) به بررسی عقاید خرافی میان بازیکنان بینگو شهر تینگهام انگلستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که زنان از مردان خرافی‌ترند، همچنین بازیکنان مسن‌تر گرایش بیشتری به خرافات دارند.

«پورسل^۳» (۱۹۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «طالع‌بینی و تقدیرگرایی میان کارگران زن کارخانه» از طریق مشاهده مشارکتی در بین کارگران در یک کارخانه جنوب انگلستان به این نتیجه رسیده‌اند که آنها بسیاری از اعمال و عقاید و حوادثی را که در عرف به عنوان بخت یا تقدیر می‌پذیرند، این تمایل حمل بر نیاز به درک زندگی، محیط‌های غیرعقلانی و بی‌قدرتی زنان می‌باشد که همه اینها ضرورتاً یک جهت‌گیری تقدیرگرایانه را نشان می‌دهد.

«ایکه^۴» (۱۹۹۷) در تحقیقی تحت عنوان «خرافات در میان معلمان مدارس راهنمایی جنوب نیجریه» به نتایجی می‌رسد که دانشجویان نسبت به فارغ‌التحصیلان خرافاتی‌ترند، دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی بالاترین و رشته‌هنر کمترین میانگین نمره خرافات را به خود اختصاص داده‌اند و تفاوت معناداری بین متغیرهای جنس، محل تولد، جایگاه طبقاتی و رشته‌های مورد مطالعه با میانگین نمرات خرافات وجود دارد.

۳- مبانی نظری

مهمترین دیدگاه‌هایی که می‌توان بر اساس آن خرافات را تبیین نمود در چهار حوزه (جامعه‌شناسان تکاملی، نظریه‌های کنش عقلانی، جامعه‌شناسان معرفت و نظریه‌های نوگرایی) تقسیم‌بندی می‌شود.

الف- جامعه‌شناسی تکاملی: «آگوست کنت» معتقد بود: بشر از نظر فکری سه مرحله ربانی، متافیزیک و اثباتی را پشت سر گذاشته است. در مرحله‌ی ربانی، بشر اسیر نیروهای طبیعی بود، از سرما، گرما، تاریکی، زلزله، سیل و امثالهم وحشت می‌کرد و قادر به تبیین آنها نبود لذا این مرحله زمینه‌ساز اعتقاد به جادو و خرافه و نیروهای خارق‌العاده شد.

- 1- Bukhari
- 2- Griffiths
- 3- Purcell
- 4- Oikeh

«تونیس»، با توجه به نوع روابط آدمیان با یکدیگر، دو گونه تجمع انسانی را از یکدیگر تفکیک می‌کند. وی تجمع اول انسانی را جماعت گماین شافت، دوم را جامعه گزل شافت می‌نامد. از نظر تونیس، جوامع در طول تاریخ جماعت به جامعه تبدیل شده‌اند. به دیگر سخن، به تدریج از روابط جماعتی (رابطه‌ای احساسی ساده و مبتنی بر سنت‌ها) کاسته شده است و نوع دیگری از رابطه جایگزین آن شده است. مهمترین شاخص متمایز کننده‌ی نوع دوم رابطه اجتماعی (جامعه)، محاسبات عقلانی در درون این روابط است. بسیاری از جامعه‌شناسان تحول‌گرا، در توصیف و صورت‌بندی تاریخی جوامع، معتقدند: جوامع در گذر تاریخ به سمت تکامل گام نهاده‌اند. از ویژگی‌های این تکامل و فرایند تحول این است که جامعه از سادگی به پیچیدگی رو به تزاید (اسپنسر)، منتقل شده است. همچنین همبستگی جوامع از حالت مکانیکی به همبستگی ارگانیکی در جوامع جدید (دورکیم) تبدیل شده است. در همبستگی ابتدایی و کهن (همبستگی مکانیکی) است که فرد تا حدود زیادی جذب جامعه می‌شود و لذا به گونه‌ای می‌اندیشد، باور می‌کند، عمل می‌نماید که جمع از او بخواهد (گی روشه، ۱۳۷۵: ۵۴). در واقع، خرافه یکی از مراحل رشد ذهنی است و جوامعی که در این مرحله از تفکر واقع شده‌اند، از نظر سطح بلوغ پایین‌تر از جوامع عقلانی هستند. به بیانی دیگر، جوامع رشد یافته‌تر و بالغ‌تر، عقلانی‌تر عمل می‌کنند و رفتارهای خرافی، خاص جوامع نابالغ و رشد نیافته است.

ب- نظریه‌های کنش عقلانی: از نظر پاره‌تو، رفتارهای انسانی به دو دسته منطقی و غیرمنطقی تقسیم می‌شود. کنش منطقی، آن نوع کنشی است که هم از لحاظ ذهنی و هم از لحاظ عینی، منطقی باشد. کنش منطقی، کنشی است که نه تنها از لحاظ کسی که فاعل آنهاست، بلکه از لحاظ کلیه کسانی که شناخت‌های گسترده‌تری دارند، منطقاً با هدف‌های خود مربوط باشند (آرون، ۱۳۶۴: ۱۴۴).

از دید گاه «وبر» انواع کنش عبارت است از: کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش عاطفی و بالاخره کنش سنتی (وبر، ۱۳۷۴: ۲۸). طبق این دسته‌بندی خرافات در دسته کنش غیر منطقی و سنتی قرار می‌گیرد بنابراین با افزایش کنش عقلانی و منطقی باید میزان خرافات کم شود.

ج- جامعه‌شناسی معرفت: میان شرایط اجتماعی و اندیشه‌های تولید شده یا رواج یافته در هر عصر رابطه وجود دارد که عموماً در حوزه جامعه‌شناسی شناخت به آن پرداخته می‌شود (رضوی، ۱۳۷۱: ۵۴). مارکس، دورکیم و مانهایم از مهمترین بانیان جامعه‌شناسی معرفت به شمار می‌آیند. که مانهایم جایگاه ممتاز و برجسته‌تری در مقایسه با دیگران دارد.

به نظر مارکس ایده‌ها و افکار چیزی جز محصول اجتماع و زاینده وقایع اجتماعی و اقتصادی نیستند. وی معتقد بود بین افکار و ساختارهای اجتماعی عینی که زمینه‌ی پیدایش این افکارند، یک نوع همبستگی وجود دارد (کوزر، ۱۳۷۷: ۸۷).

جامعه‌شناسی معرفتی دورکیم با جامعه‌شناسی دینی او پیوند نزدیکی دارد. «او در جامعه‌شناسی دینی‌اش می‌کوشد نشان دهد که ریشه‌ی تعهدات دینی انسان را می‌توان سرانجام در تعهدات اجتماعی‌اش پیدا کرد. جامعه‌شناسی معرفتی دورکیم اصل را بر این می‌گذارد که مقولات اندیشه‌ی انسان برای مثال، شیوه‌های تصور زمان و مکان از زندگی اجتماعی او سرچشمه می‌گیرند (کوزر، ۱۳۷۷: ۲۰۰).

از دید مانهایم عوامل مختلفی نظیر گروه‌هایی که فرد به آنها تعلق دارد، اوضاع فرهنگی، پایگاه اجتماعی اقتصادی فرد، سن، قومیت و... بر اندیشه‌ی او تأثیرگذار هستند که تأثیر همین عوامل باعث تنوع و کثرت و سیالیت اندیشه‌ها در جامعه می‌شود (کوزر، ۱۳۷۷: ۵۶۶).

لذا خرافات به عنوان نوعی نگرش و اندیشه با زمینه‌های اجتماعی مانند قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن و جنس رابطه دارد.

د- نظریه‌های نوگرایی: به گفته «ساموئل هانتینگتون»، مهمترین تفاوت انسان نوین با انسان سنتی، دیدگاه او نسبت به انسان در رابطه با محیط‌اش است. در جامعه سنتی، انسان محیط طبیعی و اجتماعی‌اش را به عنوان یک واقعیت طبیعی می‌پذیرد و هر کوششی جهت دگرگون ساختن جامعه امکان‌ناپذیر است. نوین شدگی زمانی، آغاز می‌شود که انسان‌ها در خودشان احساس توانایی کنند و این اندیشه را در سر بپروراند که می‌توانند طبیعت و جامعه را درک کنند و تحت سلطه خود درآورند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۴۸-۱۴۷).

«اینگلس» به همراه «اسمیت»، نقطه آغاز تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می‌دانند. آنها انسان نوین را فراهم کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حساب می‌آورند (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱). در نتیجه انسان نوین با ویژگی‌هایی چون کنش عقلانی و برنامه‌ریزی شده، فاصله‌گیری از تقدیرگرایی، احترام به علم و تکنولوژی، احترام به دیگران می‌تواند از خرافات دور شود.

۴- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- گرایش به خرافات در بین مردان و زنان متفاوت است.
- ۲- گرایش به خرافات در بین افراد مجرد و متأهل متفاوت است.
- ۳- گرایش به خرافات در بین افراد شاغل و غیر شاغل متفاوت است.
- ۴- گرایش به خرافات به تفکیک مقطع تحصیلی، متفاوت است.
- ۵- گرایش به خرافات به تفکیک قومیت، متفاوت است.
- ۶- گرایش به خرافات به تفکیک خاستگاه، متفاوت است.
- ۷- بین نوگرایی و گرایش به خرافات رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵- روش تحقیق

نوشته‌ی حاضر نوعی پژوهش نظری - تجربی مبتنی بر استفاده از داده‌های حاصل از پیمایش می‌باشد. این مطالعه به لحاظ زمان، مقطعی و به لحاظ ژرفایی، پهنانگر است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزار آماری SPSS مورد استفاده قرار گرفته در آمار توصیفی از جداول توصیفی، فراوانی، میانگین، انحراف معیار و... همچنین در آمار استنباطی، با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های آماری آزمون TestLT، آنالیز واریانس یک طرفه، همبستگی پیرسن و رگرسیون استفاده شده است.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار، از اعتبار محتوایی و یا به صورت خاص‌تر از اعتبار صوری استفاده شده است. بدین منظور، بعد از تنظیم پرسشنامه و قبل از اجرای آن، پرسشنامه در اختیار چند متخصص قرار گرفت و بعد از تأیید متخصصین، داده از طریق پرسشنامه گردآوری شد. مناسب‌ترین روش برای سنجش روایی طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است. در این پژوهش مقدار آلفا برای متغیر گرایش خرافات برابر ۰/۸۶۸ و برای متغیر نوگرایی برابر ۰/۵۶۸ می‌باشد لذا پرسشنامه از پایایی خوبی برخوردار است. جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان (دختر و پسر) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل است که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در این دانشگاه مشغول تحصیل می‌باشند. طبق آمار سال ۱۳۹۲ این جامعه شامل ۱۰۵۹۲ نفر می‌باشد. با توجه به اینکه جامعه آماری بر حسب جنسیت به دو طبقه زن و مرد و بر حسب مقطع تحصیلی به سه طبقه کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد تقسیم می‌شود شیوه نمونه‌گیری متناسب با طبقه انتخاب شد به طوری که سهم هر جنسیت در نمونه، متناسب با سهم همان جنسیت در جامعه و سهم هر مقطع در نمونه، متناسب با سهم همان مقطع در جامعه است. نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش ۳۷۱ نفر دانشجو می‌باشد که از فرمول کوکران برای برآورد حجم نمونه استفاده شده است.

۶- تعریف متغیرها

متغیرهای این تحقیق در دو دسته تعریف و اندازه‌گیری شده‌اند: متغیر مستقل و متغیر وابسته. متغیر وابسته این تحقیق میزان گرایش به خرافات می‌باشد و متغیرهای مستقل عبارتند از: جنسیت، سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، مقطع تحصیلی (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد)، خاستگاه، محل سکونت، قومیت (به لحاظ زبانی)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان گرایش به نوگرایی.

خرافات: جاهودا خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی یا ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، خیالی، تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافه نامیده می‌شود» (جاهودا، ۱۳۷۱: ۵).

خرافات عبارت است از: اعتقادات بی‌اساسی که با عقل، منطق، علم و واقعیت سازگاری نداشته باشد. برای سنجش این متغیر ۳۴ گویه از خرافات رایج در جامعه آماری طراحی شده و در اختیار پاسخگو قرار گرفته است. پاسخ آن بر اساس طیف لکیرت به صورت «کاملاً مخالفم»، «موافقم»، «تأخدی موافقم»، «تا حدی مخالفم»، «مخالفم»، «کاملاً مخالفم» مشخص شده است. جمع نمرات کسب شده نشان دهنده میزان گرایش به خرافات می‌باشد. گویه‌های اندازه‌گیری متغیر گرایش به خرافات عبارتند از:

- ۱- عطسه پیام خدا برای صبر کردن است.
- ۲- عدد ۱۳ نحس است.
- ۳- معمولاً پشت سر مسافر جهت سلامت برگشتن وی آب می‌ریزم.
- ۴- صدای جغد شوم است.
- ۵- انسان‌های خارق‌العاده می‌توانند به کمک ارواح پیشگویی‌های خوبی انجام دهند.
- ۶- اسفند دود کردن برای رفع چشم زخم مؤثر است.
- ۷- جادوگران ماهر می‌توانند بعضی از بیماری‌های لاعلاج (از نظر پزشکی) را درمان کنند.
- ۸- به باز کردن بخت دختران توسط دعانویس اعتقاد دارم.
- ۹- اشکالی ندارد انسان بعضی مواقع برای حل مشکل خود پیش فالگیر برود.
- ۱۰- وصل کردن سنجاچه به لباس مانع جن زدگی می‌شود.
- ۱۱- جادو مؤثر است گرچه هنوز علم تأثیر آن را نشناخته است.
- ۱۲- برخی از بدبختی‌های انسان از بدشانسی است.
- ۱۳- برخی از فالگیرها می‌توانند از غیب خبر دهند. (مثلاً پیدا کردن اشیای گمشده)
- ۱۴- با احضار همزاد و اجنه می‌توان بعضی از مشکلات را حل کرد.
- ۱۵- شخصیت افراد تا حدی با طالع ماه تولدشان مرتبط است.
- ۱۶- گره زدن سبزی در ۱۳ فروردین موجب برآورده شدن آرزوها می‌شود.
- ۱۷- فال (حافظ، قهوه، ورق، تاروت).
- ۱۸- خریدن و استفاده از (سنگ چشم زخم، انگشتر تشخیص احساس، دستبند پاور بالانس، گردن‌آویز سنگ ماه تولد، گردن‌آویز مهره مار).

۱۹- مطالعه (کتاب و مجلات طالع‌بینی، کتاب ارتباط با ارواح، کتاب جفر و جداول ابجد، کتاب‌های سحر و جادو، سایت‌های علوم غریبه).

۲۰- مراجعه به (طالع‌بین، فالگیر، دعانویس، کف‌بین).

پایگاه اقتصادی - اجتماعی: وضع اقتصادی، قدرت، نحوه زندگی، فعالیت‌های خاص در گذران فراغت، زمینه آموزشی، محل اقامت و... را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۸۰۹).
برای سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گویه‌های میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر، میزان درآمد، نوع منزل مسکونی و شغل پدر بر اساس ارزش اقتصادی و اجتماعی، از ۱ تا ۶ کدگذاری شده و مجموع امتیازات پاسخگو در پنج شاخص فوق، نمره پایگاه اجتماعی - اقتصادی هر فرد را مشخص می‌کند.

نوگرایی: «اینگلس^۱» به همراه «اسمیت^۲»، نقطه آغاز تجدد و نو شدن را در نوسازی انسان می‌دانند. آنها معتقدند انسان نوین فراهم کننده توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۱). نوگرایی به معنای نگرش نوین به زندگی و قرار گرفتن در چارچوب فکری و رفتاری انسان نو می‌باشد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۷). این متغیر با ۱۵ گویه با استفاده از نظریه اینگلس مورد سنجش قرار گرفته است.

۷- آمار توصیفی

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

درصد	فراوانی	نام متغیر	درصد	فراوانی	نام متغیر
۶۷/۸	۲۴۹	مجرد	۴۸/۰	۱۷۸	مرد
۳۲/۲	۱۱۸	متاهل	۵۲/۰	۱۹۳	زن
۱۰۰	۳۶۷	کل	۱۰۰	۳۶۱	کل
۱۱/۲	۴۱	روستا	۸/۱	۳۰	کاردانی
۰/۶	۲	بخش	۷۷/۱	۲۸۶	کارشناسی
۲۳/۷	۸۷	شهر	۱۴/۸	۵۵	کارشناسی ارشد
۱۰/۶	۳۹	شهرستان	۱۰۰	۳۶۱	کل
۵۳/۹	۱۹۸	مرکز استان	۸/۹	۳۳	فارس
۱۰۰	۳۶۷	کل	۹۰/۵	۳۳۴	ترک
			۰/۶	۲	کرد
			۱۰۰	۳۶۹	کل

1 . A. Inkeles

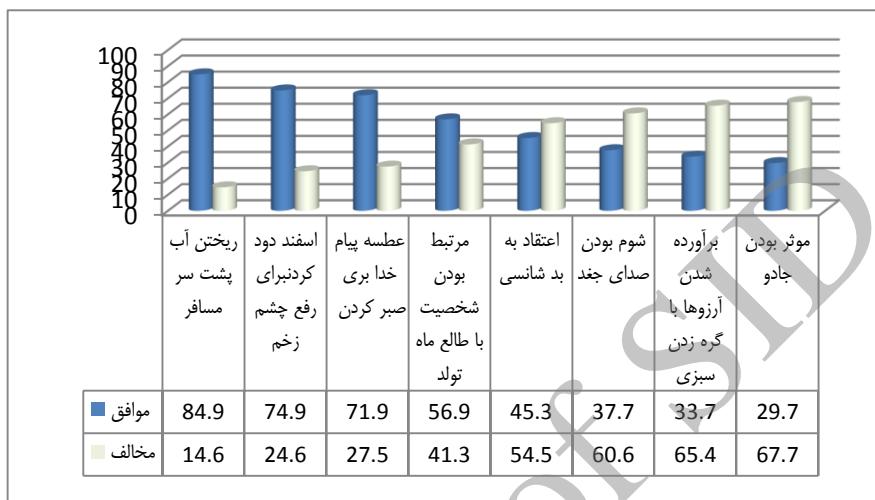
2 . D.H. Smith

جدول شماره یک نشان می‌دهد که ۴۸/۰ درصد از پاسخگویان (۱۷۸ نفر) مرد و ۵۲/۰ درصد (۱۹۳ نفر) زن هستند به عبارت دیگر تقریباً نیمی از پاسخگویان مرد و نیمی دیگر زن می‌باشند. ۶۷/۸ درصد (۲۴۹ نفر) از پاسخگویان مجرد و ۳۲/۲ درصد (۱۱۸ نفر) متأهل می‌باشند. طبق یافته‌های موجود، مجردها با ۶۷/۱ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۸/۱ درصد (۳۰ نفر) از پاسخگویان در مقطع کاردانی، ۷۷/۱ درصد (۲۸۶ نفر) در مقطع کارشناسی و ۱۴/۸ درصد (۵۵ نفر) در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند. طبق یافته‌های موجود، مقطع کارشناسی با ۷۷/۱ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۱۱/۲ درصد (۴۱ نفر) از پاسخگویان مقطع ابتدایی را در روستا، ۰/۶ درصد (۲ نفر) در بخش، ۲۳/۷ درصد (۸۷ نفر) در شهر، ۱۰/۶ درصد (۳۹ نفر) در شهرستان، ۵۳/۹ درصد (۱۹۸ نفر) در مرکز استان مشغول به تحصیل بوده. طبق یافته‌های موجود، مرکز استان با ۶۷/۱ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. ۸/۶ درصد (۳۳ نفر) از پاسخگویان فارس، ۹۰/۵ درصد (۳۳۴ نفر) ترک، ۰/۶ درصد (۲ نفر) کرد بوده‌اند. طبق یافته‌های موجود، قومیت ترک با ۹۰/۱ درصد، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

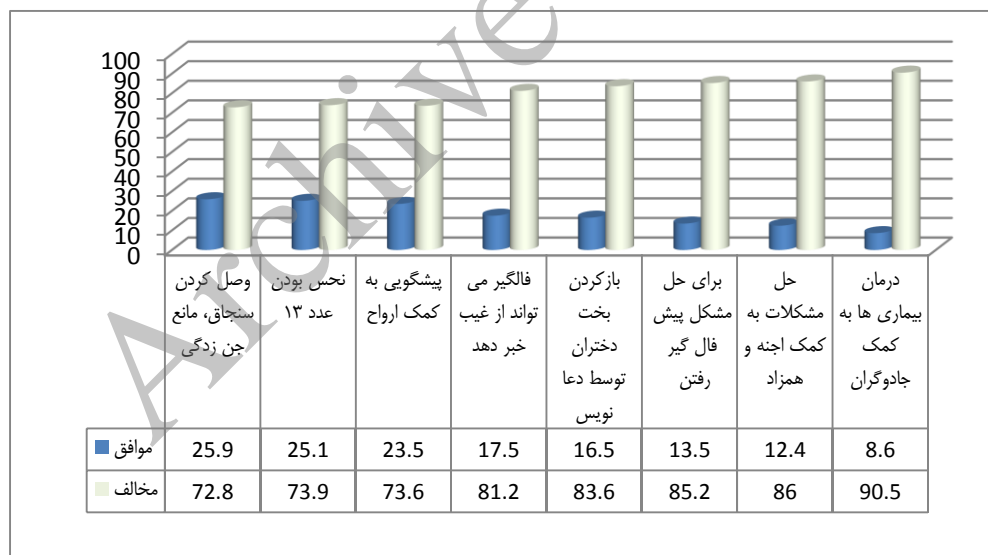
جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی

متغیر	میانگین	واریانس	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداکثر	حداقل	میان	Z	سطح معنی‌داری
پایگاه	۱۷/۶۵	۱۷/۸۲	۴/۲۲	۰/۰۶	-۰/۳۰	۳۰	۶/۵	۱۸	۱/۰۸	۰/۱۹۶
خرافات	۸۰/۵۳	۵۴۱/۸۹	۲۳/۲۸	۰/۴۹	۰/۳۴	۱۷۴	۳۴	۷۹	۱/۱۶	۰/۱۳۹
نوگرایی	۶۴/۱۴	۶۲/۵۷	۷/۹۱	-۰/۱۶	-۰/۲۷	۸۳	۴۱	۶۴	۱/۰۲	۰/۲۴۶

جدول شماره دو نشان می‌دهد که میانگین پایگاه اقتصادی - اجتماعی تقریباً برابر ۱۸ می‌باشد که این مقدار با در نظر گرفتن حداکثر ۳۰ و حداقل ۶/۵، در حد متوسط می‌باشد و میانگین گرایش به خرافات تقریباً برابر ۸۱ می‌باشد که این مقدار با در نظر گرفتن حداکثر ۱۷۴ و حداقل ۳۴، کمتر از حد متوسط است و در نهایت میانگین گرایش به نوگرایی برابر ۶۴/۱۴ می‌باشد که این مقدار با در نظر گرفتن حداکثر ۸۳ و حداقل ۴۱، بیشتر از حد متوسط می‌باشد. توزیع نمرات گرایش به خرافات، نوگرایی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با توجه سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و همچنین چولگی و کشیدگی نزدیک به صفر در هر سه متغیر، به توزیع نرمال نزدیک می‌باشد لذا می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تأیید یا رد فرضیه‌های تحقیق با این متغیرها استفاده کرد.



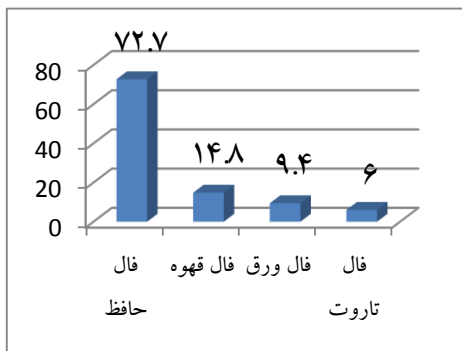
نمودار ۱: درصد فراوانی موافقین، مخالفین گویه‌های خرافات



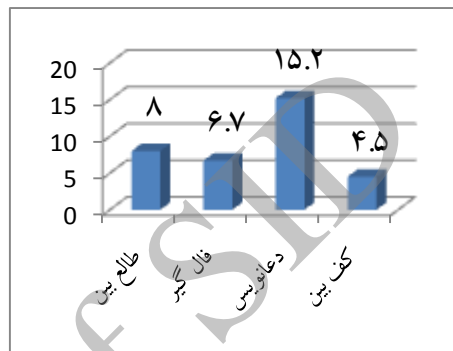
نمودار ۲: درصد فراوانی موافقین، مخالفین گویه‌های خرافات

در نمودارهای ۱ و ۲ درصد فراوانی موافقین به صورت نزولی و درصد فراوانی مخالفین به صورت صعودی مرتب شده است. این دو نمودار نشان می‌دهد که از بین گویه‌ها، گویه آب ریختن پشت سر

مسافر با ۸۴/۹ درصد بیشترین فراوانی موافقت و گویه درمان بیماری‌ها به کمک جادوگران با ۸/۶ درصد کمترین درصد فراوانی موافقت را به خود اختصاص داده است.

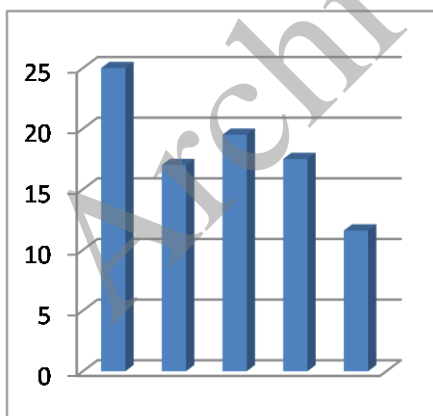


نمودار ۴: درصد فراوانی موافقت با فال

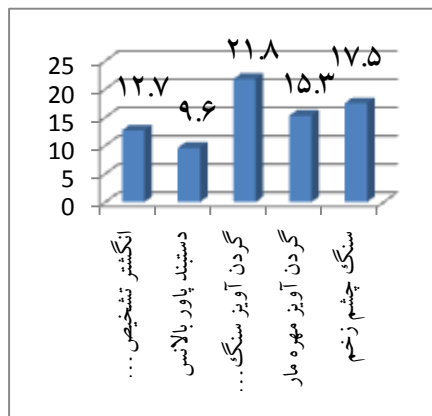


نمودار ۳: درصد فراوانی موافقت

نمودار ۲؛ درصد فراوانی موافقت با فال، نشان می‌دهد که از بین فال‌های حافظ، قهوه، ورق و تاروت، فال حافظ با ۷۲/۷ درصد، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. نمودار ۴ نشان می‌دهد که از بین مراجعه به طالع‌بین، فالگیر، دعانویس و کف‌بین، بیشترین درصد موافقت پاسخگویان با ۱۵/۲ درصد، مراجعه به دعانویس می‌باشد.



نمودار ۶: درصد فراوانی موافقت مطالعه



نمودار ۵: درصد فراوانی موافقت با استفاده از انگشتر، دستبند و گردن آویز

نمودار ۵ نشان می‌دهد که از بین انگشتر تشخیص احساس، دستبند پاور بالانس، گردن آویز سنگ تولد، گردن آویز مهره مار و سنگ چشم زخم، بیشترین درصد موافقت پاسخگویان با ۲۱/۷ درصد گردن آویز سنگ ماه تولد می‌باشد.

نمودار ۶ نشان می‌دهد که از بین مطالعه کتاب و مجلات طالع‌بینی، کتاب ارتباط با ارواح، جفر و جدول ابجد، سایت‌های علوم غریبه و کتاب سحر و جادو، بیشترین درصد موافقت پاسخگویان با ۲۵ درصد، مطالعه کتاب و مجلات طالع‌بینی می‌باشد.

۸- یافته‌های استنباطی

جدول ۳: آزمون تفاوت میانگین گرایش به خرافات بر حسب جنسیت، وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال

متغیر مستقل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین‌ها
جنسیت	مرد	۱۷۸	۲۱/۲۰	-۵/۹۴	۳۶۹	۰/۰۰۰	-۱۳/۵۸
	زن	۱۹۳	۲۲/۷۳				
وضعیت تاهل	مجرد	۲۴۹	۲۲/۶۵	۱/۹۳	۳۶۵	۰/۰۵۴	۴/۹۵
	متاهل	۱۱۸	۲۳/۵۴				
وضعیت اشتغال	شاغل	۱۵۹	۲۰/۳۹	-۳/۷۵	۳۵۰	۰/۰۰۰	-۸/۹۷
	غیر شاغل	۱۹۳	۲۳/۷۹				

با توجه به اینکه سطح سنجش متغیر مستقل اسمی دو حالتی بوده و متغیر وابسته در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند لذا مناسب‌ترین آزمون Test-T می‌باشد.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد (سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۰) می‌توان گفت که بین میانگین گرایش به خرافات گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر میانگین گرایش به خرافات در زنان (۸۶/۹۶) به طور معنادار بیشتر از میانگین گرایش به خرافات در مردان (۷۳/۳۹) است و می‌توان این نتیجه را به کل جامعه آماری تحقیق تعمیم داد.

تفاوت معناداری بین دو گروه متاهل و مجرد در گرایش به خرافات وجود ندارد (سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۵۴) به عبارت دیگر، اگرچه مقایسه میانگین نمرات هر دو گروه نشان می‌دهد که مجردها در مقایسه با متاهل‌ها گرایش بیشتری به خرافات دارند؛ اما این نتیجه ناشی از تصادف بوده و به کل جامعه آماری قابل تعمیم نیست.

با اطمینان ۹۹ درصد (سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰) می توان گفت که بین میانگین گرایش به خرافات گروه شاغلین و غیر شاغلین تفاوت معناداری وجود دارد به عبارت بهتر میانگین گرایش به خرافات در غیرشاغلین (۸۴/۳۱) به طور معنادار بیشتر از میانگین گرایش به خرافات در شاغلین (۷۵/۳۴) است و می توان این نتیجه را به کل جامعه آماری تحقیق تعمیم داد.

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین گرایش به خرافات بر حسب مقطع تحصیلی

متغیر وابسته	مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		
				سطح معنی داری	F کمیت	درجه آزادی
گرایش به خرافات	کاردانی	۳۰	۸۲/۹۳	۰/۰۰۳	۵/۸۷	۳۷۰
	کارشناسی	۲۸۶	۸۲/۰۵			
	کارشناسی ارشد	۵۵	۷۰/۷۸			

جدول ۵: نتایج حاصل از آزمون تعقیبی LSD به تفکیک مقطع تحصیلی

متغیر وابسته	مقطع تحصیلی	کاردانی	کارشناسی	کارشناسی ارشد
گرایش به خرافات	کاردانی			✓
	کارشناسی			✓
	کارشناسی ارشد	✓	✓	

جدول ۴ و ۵ نشان می دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می توان گفت که تفاوت میانگین نمرات گرایش به خرافات به تفکیک مقطع تحصیلی معنا دار است و نتایج حاصل از آزمون تعقیبی LSD حاکی از آن است که تفاوت میانگین نمرات بین مقطع کاردانی با کارشناسی ارشد و کارشناسی با کارشناسی ارشد معنی دار می باشد و لی تفاوت میانگین نمرات مقطع کاردانی با کارشناس معنی دار نمی باشد .

جدول ۶: آزمون تفاوت میانگین گرایش به خرافات بر حسب قومیت

متغیر وابسته	قومیت	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه		
				درجه آزادی	F کمیت	سطح معنی‌داری
گرایش به خرافات	فارس	۳۳	۷۷/۷۹	۳۶۸	۰/۵۱	۰/۶۰۴
	ترک	۳۳۴	۸۰/۶۶			
	کرد	۲	۹۲/۵۰			

جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات گرایش به خرافات به تفکیک قومیت وجود ندارد هرچند که میانگین نمرات در بین قومیت‌های کرد (۹۲/۵۰)، ترک (۸۰/۶۶) و فارس (۷۷/۷۹) متفاوت است اما این تفاوت میانگین نمرات ناشی از تصادف بوده و نمی‌توان به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۷: آزمون تفاوت میانگین گرایش به خرافات بر حسب مقطع خاستگاه

متغیر وابسته	خاستگاه	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه	
				درجه آزادی	F کمیت
گرایش به خرافات	روستا	۴۱	۷۶/۴۴	۳۶۶	۰/۷۲۶
	بخش	۲	۶۴/۰۰		
	شهر	۸۷	۸۱/۱۶		
	شهرستان	۳۹	۸۳/۱۸		
	مرکز استان	۱۹۸	۸۰/۶۵		

جدول ۷ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات گرایش به خرافات به تفکیک خاستگاه وجود ندارد هرچند که میانگین نمرات متفاوت است اما این تفاوت ناشی از تصادف بوده و نمی‌توان به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۸: آزمون رابطه متغیرهای مستقل با گرایش به خرافات

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی داری (sig)	جهت همبستگی
گرایش به خرافات	سن	-۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	معکوس
	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	-۰/۰۲۳	۰/۶۵۳	معکوس
	نوگرایی	-۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	معکوس

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین سن با گرایش به خرافات رابطه وجود دارد و ضریب همبستگی این رابطه برابر ۰/۲۱۵ و جهت آن معکوس می‌باشد. به عبارت بهتر با افزایش سن، گرایش به خرافات کاهش می‌یابد.

با اطمینان ۹۹ درصد، بین نوگرایی با گرایش به خرافات رابطه وجود دارد و ضریب همبستگی این رابطه برابر ۰/۲۸۸ و جهت آن معکوس می‌باشد. به عبارت بهتر با افزایش نوگرایی، گرایش به خرافات کاهش می‌یابد.

جدول ۹: نتایج رگرسیون گرایش به خرافات بر متغیرهای مستقل به روش گام به گام (stepwise)

مرحله	متغیرها	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	معنی داری	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ^۲)	ضریب تعیین تعدیل شده (ΔR ^۲)
اول	ثابت	۵۹/۶۳		۱۵/۴۶	۰/۰۰۰			
	جنسیت	۱۳/۳۶	۰/۲۹۳	۵/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۲۹۳	۰/۰۸۹	۰/۰۸۳
دوم	ثابت	۱۰۶/۴		۱۰/۱۶	۰/۰۰۰			
	جنسیت	۱۳/۰	۰/۲۸۵	۵/۵۹	۰/۰۰۰			
	نوگرایی	-۰/۷۱۶	-۰/۲۴۴	-۴/۷۸	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۰/۱۴۰
سوم	ثابت	۱۱۴/۰		۱۰/۴۲	۰/۰۰۰			
	جنسیت	۱۱/۷۷	۰/۲۵۳	۴/۹۷	۰/۰۰۰			
	نوگرایی	-۰/۶۵۳	-۰/۲۲۲	-۴/۳۲	۰/۰۰۰			
	سن	-۰/۴۲۵	-۰/۱۲۴	-۲/۳۴	۰/۰۲۰	۰/۳۹۹	۰/۱۵۹	۰/۱۵۱

برای درک بهتر تأثیر متغیرهایی که به طور معنادار با متغیر وابسته رابطه داشته‌اند، معادله‌ی رگرسیونی در زیر ارائه می‌گردد:

$$e + (سن) - ۰/۱۲۴ - (نوگرایی) - ۰/۲۲۲ - (جنس) - ۰/۲۵۳ = (میزان گرایش به خرافات)$$

معادله پیش‌بینی ما دارای سه مرحله است. براساس جدول شماره ۸ ضریب همبستگی (R) مرحله سوم برابر ۰/۳۹۹ می‌باشد و ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در مرحله سوم نشان می‌دهد که در نهایت سه متغیر درون معادله یعنی جنسیت، نوگرایی و سن می‌تواند ۰/۱۵۹ از واریانس گرایش به خرافات را تبیین یا پیش‌بینی کنند.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر، با بیشتر تحقیقات قبلی که در پیشینه نظری به آنها اشاره گردید هم‌خوانی دارد و در واقع از آنها حمایت می‌نماید، از این‌رو در این قسمت به برخی از این نتایج حاصل از آزمون‌های آماری این تحقیق اشاره می‌کنیم:

۱- بین متغیر نوگرایی و گرایش به خرافات رابطه معکوس وجود دارد که این نتیجه همسو با تحقیقات سپهر (۱۳۷۶)، قاسمی (۱۳۸۶)، صفایی (۱۳۸۸)، افشانی (۱۳۸۶) می‌باشد.

۲- بین جنسیت و گرایش به خرافات تفاوت معناداری وجود دارد و زنان نسبت به مردان گرایش بیشتری به خرافات دارند که این نتیجه همسو با تحقیقات داخلی سپهر (۱۳۷۶)، قاسمی (۱۳۸۶)، فروغی (۱۳۸۸)، صفایی (۱۳۸۸)، جانعلیزاده (۱۳۸۸)، افشانی (۱۳۸۶) و تحقیقات خارجی زب (۲۰۰۱)، گریفتس (۲۰۰۲)، ایکه (۱۹۹۷) می‌باشد. در تمامی تحقیقات پیشینه تجربی این پژوهش که یکی از متغیرهای مستقل آنها جنسیت می‌باشد این فرضیه تأیید شده است.

۳- در این پژوهش بین سن و گرایش به خرافات رابطه معکوس وجود دارد که این نتیجه همسو با تحقیق جانعلیزاده (۱۳۸۸) است که جامعه آماری او نیز دانشجویی می‌باشد و در تحقیقات که جامعه آنها غیر دانشجویی است بین سن و گرایش به خرافات رابطه مستقیم وجود دارد.

۴- بین میزان تحصیلات و گرایش به خرافات رابطه معکوس وجود دارد که این نتیجه همسو با تحقیقات داخلی سپهر (۱۳۷۶)، قاسمی (۱۳۸۶)، فروغی (۱۳۸۸)، صفایی (۱۳۸۸)، جانعلیزاده (۱۳۸۸) و تحقیقات خارجی پلتزر (۲۰۰۲)، بوخاری (۲۰۰۲)، ایکه (۱۹۹۷) می‌باشد.

۵- عدم وجود رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی با خرافات در این تحقیق همسو با تحقیق جانعلیزاده (۱۳۸۸) می‌باشد ولی در تحقیقاتی مانند قاسمی (۱۳۸۶)، صفایی (۱۳۸۸)، ایکه (۱۹۹۷) که جامعه آماری غیر دانشجویی دارند رابطه معکوس بین جایگاه اقتصادی - اجتماعی و خرافات وجود دارد. ارتباط یافته‌های پژوهش و چارچوب نظری را در چهار حوزه (جامعه‌شناسان تکاملی، نظریه‌های کنش عقلانی، جامعه‌شناسان معرفت و نظریه‌های نوگرایی) بررسی می‌کنیم.

نتیجه تحقیق حاضر با نظریات جامعه‌شناسان نوگرا هم‌خوانی دارد. انگلس و اسمیت انسان مدرن را محور توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. انسان نوین با ویژگی‌هایی چون کنش عقلانی و برنامه‌ریزی شده، فاصله‌گیری از تقدیرگرایی، احترام به علم و تکنولوژی، احترام به دیگران و... شناخته می‌شود. بین‌نوگرایی با گرایش به خرافات رابطه وجود دارد و به نظر می‌رسد مقیاس نوگرایی و خرافه‌گرایی معتبر و جا افتاده است و ضمناً این مقیاس به خوبی بومی شده است.

طبق نظریات جامعه‌شناسان تکاملی، هرچقدر سطح رشد یافتگی و پیچیدگی جوامع بیشتر باشد میزان خرافه‌گرایی کمتر است. براساس این نظریه برحسب خاستگاه و محل سکونت (روستا، بخش، شهر، شهرستان و مرکز استان) میزان خرافات متفاوت است و به ترتیب در مرکز استان به پایین‌ترین میزان خود می‌رسد. در این تحقیق این فرضیه تأیید نشد. باید این را در نظر گرفت که تأثیرگذاری محیط دانشگاهی، رسانه‌های جمعی و ارتباط بیشتر شهر و روستا باعث می‌شود که ویژگی‌های خاستگاه کم‌رنگ‌تر شده است.

بر اساس نظریات کنش عقلانی، باید بین کنش عقلانی و کنش غیر عقلانی تمایز قایل شد. طبق این دسته‌بندی خرافات در دسته کنش غیر عقلانی و سنتی قرار می‌گیرد بنابراین با افزایش کنش عقلانی باید میزان خرافات کم شود و این نظریه با وجود رابطه معکوس نوگرایی با گرایش به خرافات تأیید می‌شد.

طبق نظریات جامعه‌شناسان معرفت، اندیشه انسان تابع از وضعیت اجتماعی اوست و خرافات نیز به عنوان نوعی نگرش و اندیشه با زمینه‌های اجتماعی مانند قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن و جنس رابطه دارد. پس از آزمون فرضیات رابطه بین سن و جنسیت با گرایش به خرافات دیده شد ولی رابطه بین قومیت و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با گرایش به خرافات به دست نیامد عدم رابطه قومیت بیشتر مربوط به نزدیک شدن فرهنگ‌ها، تأثیرگذاری محیط دانشگاهی، رسانه‌های جمعی و... می‌تواند باشد و عدم رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی بیشتر ناشی از فرهنگ کتمان و محافظه‌کاری در ایران است. ضمناً عدم رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی در اکثر پیشینه‌های تجربی با جامعه آماری دانشجویی دیده می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- آرون، ر، (۱۳۷۷)، سیر مراحل اساسی اندیشه در جامع‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ۲- ازکیا، م، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی توسعه، کلمه، تهران.
- ۳- جاهودا، گ، (۱۳۷۱)، روانشناسی خرافات، ترجمه: محمدتقی براهنی، تهران: البرز.
- ۴- حرم‌پناهی، ر، (۱۳۸۱)، خرافات، باورهای عامیانه و بهداشت روان، حدیث زندگی. شماره ۹.

- ۵- رضوی، م، (۱۳۷۱)، گذری بر جامعه‌شناسی شناخت، نشر کیهان، تهران.
- ۶- روزه، گی، (۱۳۷۵)، سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، سمت، تهران.
- ۷- ساروخانی، ب، (۱۳۷۶)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، کیهان، تهران.
- ۸- صالحی امیری، س. ر، (۱۳۸۷)، خرافه‌گرایی؛ چیستی، چرایی و کارکردها، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۹- فروغی، ع، (۱۳۸۸)، بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی.
- ۱۰- قاسمی، و، (۱۳۸۶)، تبیین و تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به خرافات.
- ۱۱- گوزر، ل. (۱۳۷۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، علمی، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۲- مهدی‌زاده، ش، (۱۳۸۱)، تلویزیون و نوگرایی، رساله دکتری در رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- ۱۳- هانتینگتون، س، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، نی، تهران.
- ۱۴- ویر، م، (۱۳۸۶)، اصلاح دینی، ترجمه: فریدون بدره‌ای و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران.

15- Bukhari, S. (2002). *Superstitions regarding health problems in different ethnic groups in Karachi*. Faculty of Health Sciences, Baqai Medical University, Karachi.

16- Peltzer, K. (2002). *Paranormal beliefs and personality among black South African students*. In findarticle.com.

17- Zebb, B. (2001). *Superstitiousness and perceived anxiety control as predictors of psychological distress*. In Elsevier Science Inc.